

پیامدهای تقابل ایران و آمریکا

- ۱ یدالله سپهری
۲ مصیب عباسی
۳ سید حسن حسینی آهنگری

چکیده

مهم‌ترین تأثیر انقلاب اسلامی بر مردم انقلابی و مبارز جهان، اسلام‌گرایی و محوری کردن آن در مبارزه بود. با توجه به نگرش آمریکا از قدرت‌سازی ایران در منطقه خاورمیانه، نقش‌یابی ایران در این منطقه به عنوان اصلی‌ترین انگاره تهدید در روابط ایران و آمریکا محسوب می‌شود. ایالات متحده درصدد کاهش قدرت ایران، جبهه مقاومت و نیروهای سیاسی بود و این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران هرگونه قدرت‌سازی را برای تحقق اهدافی از جمله امنیت، موازنه و ثبات منطقه‌ای می‌خواهد. استکبار آمریکا همواره کوشید تا چهره منفی از صدور انقلاب نشان بدهد و این راهبرد با واقعیت ماهیت صدور انقلاب اسلامی در خارج از قلمرو جغرافیایی ایران مطابقت نداشت. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی روسای جمهور آمریکا برای مهار انقلاب، از راهبردهای مختلفی بهره بردند. آن‌ها بعد از انقلاب اسلامی همواره از تمام امکانات اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و نظامی خود در راستای تضعیف این انقلاب و ارزش‌های آن استفاده نموده و تنها زوال روز

۱ (نویسنده مسئول) عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی
Yaddollah_sepohri@yahoo.com

۲ عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه گلستان

۳ کارشناس ارشد تاریخ انقلاب اسلامی
asdd@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۸/۶/۳

تاریخ دریافت: ۹۸/۲/۲۰

افزون دولت آمریکا در جهان و تشبیت جایگاه انقلاب اسلامی در عرصه بین المللی را شاهد بودند. در واقع با پیروزی انقلاب اسلامی، دوران حقارت بار خودباختگی فرهنگی پایان یافت و ملت ایران به این شور و آگاهی رسیدند که با تکیه بر فرهنگ خودی و اسلامی می‌توانند به وابستگی‌ها پایان دهند. در پژوهش حاضر، نگارنده به بررسی پیامدهای تقابل ایران و آمریکا در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی و همچنین ناکارآمدی و افول قدرت آمریکا پرداخته است.

واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی، امام خمینی، پیامدها، افول قدرت، تحریم.

مقدمه

سیاست خارجی آمریکا تا قبل از جنگ جهانی دوم انزوا طلبی بود اما بعد از آن دیگر نمی‌توانست بدلیل منافع، به سیاست‌های قبلی خود ادامه دهد. لذا به حمایت از ایران پرداخت تا هم با این کار نزد افکار عمومی موجه جلوه کند و هم مانع نفوذ کمونیسم در ایران شود. اما جریان ملی شدن صنعت نفت و وقایع بعد از آن به همراه ساقط کردن دکتر مصدق، به یک قرن دوستی ایران و آمریکا پایان داد و عصر مداخله‌گرایی و در نتیجه ایجاد بدبینی مردم نسبت به آمریکا آغاز گردید. از آن تاریخ به بعد روابط دو کشور همراه با فراز و نشیب‌های فراوان همراه بوده است (حسینی متین، ۱۳۹۱).

قبل از وقوع انقلاب اسلامی، ایران متحد آمریکا در منطقه بود اما با پیروزی انقلاب و به ویژه پس از اشغال لانه جاسوسی روابط دو کشور خصمانه شد. و روسای جمهور آمریکا در مهار انقلاب و به منظور تغییر رفتار و ماهیت نظام جمهوری اسلامی ایران پیگیر سیاست تحریم شدند. سیاست تحریم در دوره‌های مختلف به صورت تحریم‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی در رابطه با ایران اعمال شده است.

از آنجا که جمهوری اسلامی ایران از قدرت نظامی بسیار بالایی برخوردار است و از سوی دیگر ورود آمریکا به جنگ مسلحانه با ایران هزینه‌های بسیاری را به واشنگتن تحمیل خواهد نمود؛ بنابراین مقامات کاخ سفید همواره تلاش داشته‌اند تا با تشدید فشارهای سیاسی و اقتصادی بر جمهوری اسلامی ایران، این کشور را وادار به تسلیم در برابر خواسته‌های خود نمایند (آبراهامیان، ۱۳۸۷).

هدف اصلی آمریکا را می‌توان در ارتباط با «فرسایش قدرت تاکتیکی و عملیاتی ایران» دانست. تحقق این هدف براساس سازوکارهای متنوعی از سوی کارگزاران سیاست خارجی و نهادهای سیاسی ایالات متحده انجام گرفته است. روندهای سیاست خارجی ایران و آمریکا در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با نشانه‌هایی از رقابت، تعارض، همکاری و برگشت‌پذیری همراه بوده است. برگشت‌پذیری در سیاست خارجی بازتاب شرایط سیاسی، فضای اجتماعی و ادراکات عمومی جامعه ایران به‌شمار می‌رود. در این شرایط، رژیم ایران سیاست خارجی‌ای را در پیش گرفت که هدفش تبدیل ایران به یک قدرت فرادست استراتژیک در آسیای غربی بود. تلاش برای رسیدن به این هدف به تشویق ایالات متحده بوده که دگرگونی‌های داخلی کشور، سرکوبی مخالفان داخلی و فراهم شدن منابع اقتصادی ضروری آن را ممکن ساخته بود.

ایالات متحده در راستای حفظ منافع خود و به منظور حفظ ثبات در منطقه خاورمیانه به تحریم یک جانبه علیه ایران مبادرت ورزید و در این راستا استراتژی مه‌ماه دوگانه را در قبال ایران طرح کرد (محمدی، ۱۳۷۰).

تسخیر لانه جاسوسی آمریکا، جهانی کردن شعار مرگ بر آمریکا، خنثی نمودن محاصره و تحریم‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی، ایستادگی در برابر حضور نظامی نامشروع ناوگان آمریکا در خلیج فارس، رسوایی آمریکا در حمله نظامی به طبرس، حمله موشکی به هواپیمایی مسافری ایران و حذف گروهک‌های تکفیری دست‌نشانده آمریکا از منطقه باعث شد که قدرت آمریکا به زوال کشیده شود و ابهت پوشالی آمریکا بطور کلی بشکند و باور مردم جهان مبنی بر قدرت واقعی آمریکا در جهان را کمرنگ نمود.

ایران اسلامی از ولایت‌مداری و رهبری نهادینه شده‌ای برخوردار است که پیوند تنگاتنگی میان توده‌های مردم و باورها و اعتقادات دینی و سیاسی ایجاد می‌کند. داشتن مردمی با تاریخ درخشان مبارزه و وجود منابع و ثروت‌های سرشار خدادادی و همچنین موقعیت برتر ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک، ایران اسلامی توان بخشیده که به عنوان ابرقدرت جدید به رسمیت شناخته شده است تا جایی که ملت‌های جهان به مواضع این کشور و حرکات‌های آن می‌نگرد و از آن الگو می‌گیرند (اسحاق، ۱۳۸۶).

قدرت اخلاقی نتیجه فرایند فرهنگی و نمادین است و عامل مرکزی مهمی در حیات اجتماعی است. نتایج سیاست‌های داخلی و خارجی تنها از طریق عوامل ساختاری استاندارد مثل منابع اجتماعی و اقتصادی بازیگران مختلف و روابط بین آن‌ها تعیین نمی‌شود (Mehta and winship, ۲۰۰۹).

مردم ایران و نظام سیاسی جمهوری اسلامی با توجه به شرایط موجود و درک وضعیت حاکم بر خودشان، سخت در حال مبارزه هستند (Held and koeng, ۲۰۰۴).

پیشرفت هسته‌ای ایران در زمان اعمال تحریم‌ها جای تردیدی باقی نمی‌گذارد که زور و اجبار غرب، عامل مهمی در سوق دادن جمهوری اسلامی به سمت خود کفایی در تکنولوژی هسته‌ای بوده است. پدیده توسعه تکنولوژی هسته‌ای یک مسئله افتخار و غرور ملی برای ایرانیان است. اکثریت ایرانیان از برنامه‌های هسته‌ای دفاع می‌کنند. نظرسنجی گالوپ در دسامبر ۲۰۱۲، نشان داد که ۶۳ درصد ایرانیان اعتقاد دارند با وجود تحریم‌ها، برنامه‌های هسته‌ای باید پیش برود. در این بین تنها ۱۷ درصد مخالف بوده‌اند.

دولت‌های آمریکا چه جمهوری خواه و چه دموکرات در ضدیت و دشمنی با جمهوری اسلامی ایران هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند. هر دو جناح به فکر براندازی و سرنگونی جمهوری اسلامی ایران بوده و برای دستیابی به این هدف از هیچ گونه اقدامی فروگذار نکرده‌اند. آنان انواع توطئه‌های نظامی، اقتصادی، اطلاعاتی، سیاسی، فرهنگی و تبلیغاتی را به کار گرفته‌اند تا بلکه بتوانند این نظام اسلامی را سرنگون کنند.

سیاست‌های راهبردی کلان آمریکا در تقابل با جنگ نرم با ایران در منطقه خاورمیانه، بر پنج محور اساسی استوار است:

- ۱- القای اسلام هراسی با نمایش چهره‌ای خشن از اسلام و انتشار اخبار کذب
 - ۲- القای شیعه هراسی با بیان طرح‌هایی همچون هلال شیعی
 - ۳- القای ایران هراسی با تصویر کذب و مبهم از ساخت بمب اتمی توسط ایران
 - ۴- القای سنی هراسی با نشان دادن چهره‌ای بد از سنی‌ها در نگاه شیعیان
 - ۵- القای ترس از انقلاب اسلامی و تأثیر آن بر شبیه‌سازی انقلاب‌های عربی
- غرب به رهبری آمریکا با هدف کنترل ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک به دنبال از بین بردن نظام-هایی همچون جمهوری اسلامی ایران است (Zakaria, ۲۰۰۸).

در این پژوهش به دنبال بررسی تاثیر پیامدهای تقابل رژیم ایالت متحده با انقلاب اسلامی ایران هستیم که باعث فزاینده‌تر شدن تقابلات و تخصصات دو طرف طی سال‌های (۱۳۵۶ تا ۱۳۹۶) شده، راهبردهایی که بعد از انقلاب آغاز شد و تشدید آن شامل برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران می‌شود.

پیامدهای تقابل در حوزه اقتصادی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، طراحان سیاست در آمریکا و اسرائیل برای دستیابی به هدف تضعیف توانایی‌های ملی ایران، خط مشی‌هی حساب شده‌ای را طراحی کردند. آن‌ها تأکید داشتند که وحدت و امنیت ملی پیامد مستقیم رضایت ملی است و این مهم در سایه رشد صنعتی، اقتصادی و افزایش توانمندی‌های تکنولوژیک نقش تعیین کننده‌ای دارد. در نتیجه نظریه‌پردازان نظام سلطه جهان، افزایش نارضاایتی‌های عمومی را در تضعیف توانایی ملی به خصوص در حوزه اقتصادی دانستند. استقلال فرهنگی، نشانه آزادی و وابستگی فرهنگی، نماد حقارت و بی‌هویتی یک ملت است. در حقیقت وابستگی فرهنگی، مرحله‌ای بالاتر از اندیشه است و از نتایج خودباختگی فرهنگی به‌شمار می‌رود. به برکت انقلاب اسلامی، استقلال فرهنگی صورت پذیرفت و در پرتو آن استقلال سیاسی، اقتصادی و نظامی شکل گرفت. خودباوری فرهنگی، زمینه از بین بردن وابستگی فرهنگی را فراهم نمود و زمینه‌ساز استقلال فرهنگی کشور شد (واعظی، ۱۳۷۹).

تحریم اقتصادی یکی از ساز و کارهای اجرایی عمده در نظام امنیت دسته جمعی ملل متحد بوده است. با توجه به ضعفها و نقصهای جامعه ملل، پایه‌گذاران سازمان ملل ابزارهای جدیدی برای اعمال تحریم فراهم نمودند و درصدد برآمدند تا قدرت تصمیم‌گیری در خصوص مسئله حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را در شورای امنیت سازمان جدید متمرکز کنند که بر اساس ماده ۷۱ از فصل هفتم منشور ملل متحد، به شورا اجازه می‌دهد تا برای اعاده صلح و امنیت بین‌المللی به وضع تحریم‌های اجباری اقدام نماید و در صورت شکست تحریم‌ها یا کافی نبودن اقدامات اولیه، به قدرت نظامی متوسل شود، لذا اقدامات شورای در دو روش فوق برای کلیه اعضای سازمان الزام‌آور خواهد بود (ابوالحسنی، ۱۳۷۵: ۱۴۶).

ایالات متحده نیز در خلال سیاست تحریم‌ها، نفوذ شرق در ایران را زمینه‌ساز شد. از سال ۲۰۰۱، صادرات چین به ایران تقریباً ۶ برابر شد. هرچند اروپا در سال‌های ۱۹۹۰، حدود ۵۰ درصد از اقتصاد ایران را تشکیل می‌داد، به واسطه تحریم‌ها، این جایگاه خود را از دست داد. به بیان دیگر، غرب خود را علیه نفوذ در ایران تحریم کرد و راه را برای ورود رقبایی مانند چین، روسیه و هند باز کرد. در واقع تحریم‌ها، جهت تجارت بین‌المللی ایران را از غرب به شرق تغییر داد این در حالی است که ایرانیان در جمع ملیت‌های دیگر در منطقه، کمترین خصومت را با ایالات متحده دارند. مقامات آمریکایی می‌دانند که تحریم‌ها مردم عادی را تحت تاثیر قرار داده و به این ترتیب خودشان بذر نفرت را در دراز مدت در دل ایرانیان برعلیه خود، بوجود آوردند.

زیر سوال رفتن اعتبار بانکها و خزانه‌داری آمریکا در نتیجه مسدود کردن دارایی‌های ایران، از دست دادن سود حاصل از دست کم هشتصد میلیون دلار فروش کالا به ایران، از دست دادن حدود سه میلیارد دلار سود حاصل از تجارت نفت، منافع بر باد رفته سرمایه‌گذاری در ایران، به خصوص قرار داد کونکو که قرار بود برای توسعه حوزه نفتی منعقد شود، از نتایج منفی تحریم‌ها بر آمریکا می‌باشد. (ولایتی، ۱۳۸۲).

در اثر تحریم، بسیاری از قراردادهای دولت ایران با شرکت‌های خارجی لغو شد، معدودی از قراردادهای تهدید شدند و بسیار دیگر نیز به حال تعلیق درآمدند. ارزش قراردادهای غیر نظامی لغو شده حدود ۳۸ میلیارد دلار و ارزش قراردادهای نظامی ایران و آمریکا حدود ۱۵ میلیارد دلار بود. بنابراین بیکاری از جمله تاثیرات تحریم علیه ایران بر اقتصاد آمریکا بود. همچنین آمریکا از بازارهای مهم آسیای مرکزی دور شده و سیاست‌هایش در جنوب غربی آسیا به بن بست رسیده است.

آمریکا زمانی ابزار تحریم را برای مجازات انتخاب می‌کند که در جایی در مقابل ایران شکست خورده یا تحقیر شده است. آمریکا محاصره اقتصادی را ابزار مناسبی برای آزار ایران یا هر کشور مورد تحریم دیگر می‌داند تا نتوانند، تهدیدی بالقوه و جدی برای دشمن باشند. (ولایتی، ۱۳۸۲).

در حقیقت آمریکا از تشکیل یک قدرت نیرومند اسلامی به رهبری جمهوری اسلامی ایران به شدت به هراس افتاده است، چرا که انقلاب اسلامی در ایران نه تنها جریان ثروت‌های بادآورده و بازگشت دلارهای نفتی به جیب شرکت‌های آمریکایی را قطع نمود بلکه سبب شد آمریکا هزینه‌های هنگفتی را صرف مقابله با وقوع انقلاب‌های مشابه در بین کشورهای منطقه بنماید. وقوع انقلاب اسلامی در ایران و تداوم حیات نظام جمهوری اسلامی ایران، به عنوان یکی از مهم‌ترین عواملی که منافع آمریکا را به خطر انداخت، سبب شد که ایالات متحده برای حفظ منافع نامشروع خود، طرح‌های گوناگونی را برای مقابله با تحولات انقلابی در ایران و پیامدهای اجتناب‌ناپذیر آن در منطقه و جهان با اجرا گذارد. از پیامدهای مهم در حوزه اقتصاد می‌توان به خودکفایی در مواد غذایی ضروری به ویژه محصولات استراتژیک از جمله گندم اشاره نمود. تلاش دولت در تشویق کشاورزان جهت تولید محصولات داخل و سرمایه‌گذاری در این زمینه منجر به افزایش محصولات تولیدی کشاورزی و با کیفیت بهتر از گذشته شد (مومنی، ۱۳۹۲).

پیامدهای تقابل در حوزه فرهنگی

از مهم‌ترین پیامدهای انقلاب اسلامی در تقابل با غرب و آمریکا می‌توان به مقابله با تهاجم فرهنگی

اشاره نمود. آمریکا و کشورهای غربی سعی داشتند که فرهنگ خود را جلوه تمام فضائل انسانی و فرهنگی نشان دهند و این در حالی بود که انقلاب اسلامی با آشکار ساختن نقاط ضعف آن، پوچی این تبلیغات درغین را نشان داد و ثابت کرد که فرهنگ آمریکایی و غربی با ترویج مادی‌گرایی و زندگی مصرفی انسان را به فساد و لذت پرستی و ملل ضعیف را به ضعف و نابودی و استعمار می-کشاند (اسحاقی، ۱۳۸۶).

دشمنان انقلاب بهترین راه برخورد با انقلاب و نابود کردن آن را مقابله با فرهنگ این ملت می-دانند. به همین دلیل همه وان خود را بسیج کرده و تا حدودی نیز موفق شده‌اند. آن‌ها سعی نمودند با زیر سوال بردن معارف دینی، کاهش ارزش و نزلت دین و گسترش و ترویج فساد در میان مردم، موج بدبینی و دلسردی را نسبت به انقلاب اسلامی رواج دهند. از این رو با ایجاد اختلال در زندگی اقتصادی مردم، محاصره اقتصادی و مواردی از این دست نارضایتی را در جامعه افزایش داده‌اند و ملت اسلامی ایران در همه زمینه‌ها، با قدرت و درایت کافی، راه‌ها نفوذ دشمن و ضربه پذیری انقلاب را سد کرده‌اند (عبدالله خانی، ۱۳۸۶).

یکی از ویژگی‌های مهم انقلاب اسلامی استکبار ستیزی است. بنابراین دعوای ایران با دنیای غرب بر سر ایدئولوژی و ارزش‌های اسلامی و اسلام سیاسی است که لیبرال دموکراسی غرب را به چالش کشیده است. آنچه برای آمریکا و غرب نگران کننده است این است که اسلام بخواهد حکومت کند، اسلام در زندگی اجتماعی و قوانین جاری جامعه تاثیر بگذارد. اسلام تعیین کننده خط سیاست و فرهنگ و اقتصاد دفاع باشد. اسلام معیار ارزش‌های حاکم بر مناسبات و روابط اجتماعی باشد (گودرزی، ۱۳۹۶: ۱۲۵).

به همین دلیل و به فرموده مقام معظم رهبری در مراسم بیست و نهمین سالگرد رحلت امام خمینی «بهانه‌های دشمنی متفاوت ولی ریشه یکی است. یک روز موضوع هسته‌ای است، یک روز حقوق بشر است، یک روز تروریسم است، یک روز بهانه دیگر ولی ریشه اصلی این است که نظام اسلامی بر اساس اسلام حاکم بر کشور است».

در نتیجه آمریکا با اعمال تحریم به هر یک از این بهانه‌ها به دنبال این است تا دولتی را در ایران و دیگر کشورهای اسلامی روی کار بیاورد که مطیع محض در دست آمریکایی‌ها باشد یا حداقل از اسلامی حمایت کند که سکولار باشد و در مسائل سیاسی و اقتصادی و فرهنگی حکومت دخالتی نکند.

همچنین دولت آمریکا در زمان بوش یک برنامه کمک مالی به مخالفان حکومت ایران را به

جریان انداخت و از حرکت‌های آزادی خواهانه مردم ایران فعالانه پشتیبانی کرد. این کمک مالی برای تقویت جامعه مدنی و ارتقای دموکراسی در ایران و نیز افزایش پخش برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای و رادیویی و توسعه رادیوهای ماهواره‌ای جدید برای مردم داخل کشور، تسهیل دسترسی جوانان اهل فن ایرانی به خارج و گسترش ارتباطات برای دیپلماسی عمومی به کار می‌رفت (امیراحمدی، ۱۳۸۵: ۷۱-۷۰).

جمهوری اسلامی ایران با اتکاء به فرهنگ کهن ایرانی در گستره جغرافیایی ایران فرهنگی برخوردار است. این سابقه کهن فرهنگی باعث ایجاد قدرت مردمی در آسیای میانه و قفقاز برای جمهوری اسلامی ایران شده است. از پیامدهای تأثیرات انقلاب اسلامی ایران در به چالش کشیدن ساختار غیرمادی حاکم بر نظام بین الملل است. مهم‌ترین بازتاب آن را می‌توان در احیای نقش دین و مذهب در عرصه بین الملل دانست که بنیاد سکولار را به چالش کشید (دهقانی، ۱۳۸۷).

تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، اسلام و تشیع نه تنها در عرصه‌ی حکومت و حاکمیت حضور موثری نداشت، بلکه بسیاری از حکام و ابعاد آن منزوی شده بود. از پیامدهای مذهبی انقلاب در تقابل با راهبردهای آمریکا و کشورهای غربی آن بود که شیعه برای اولین بار به دنیا معرفی شد و مسئله تشیع در همه دنیا مطرح شد. پیروزی انقلاب اسلامی و تحولی که در جهان تشیع بوجود آورد، موجب گردید تا گفتمان شیعه که در انزوا به سر می‌برد جهانی گردد (اسحاق، ۱۳۸۶). این گفتمان که عموماً برخاسته از تعالیم اسلامی و قرآنی است شاخصه‌هایی دارد که عبارتند از:

- ۱- عدالت خواهی در عقاید مکتب تشیع ریشه دیرینه دارد و جزء اصول دین است.
- ۲- پیروزی‌های بدست آمده در انقلاب اسلامی و جهان تشیع در تقابل با صاحبان قدرت‌های اتمی بالاخص آمریکا با ثبات رساند که پیروان حق هر چند از نظر قدرت مادی ضعیف باشند، نباید سلطه صاحبان قدرت مادی را پذیرا گردند، بلکه باید علیه آن‌ها بستیزند.
- ۳- انقلاب اسلامی و مکتب تشیع که باورهایش نه بر پایه سودانگاری و دنیاطلبی، بلکه بر اساس معنویات جلب رضای خداوند و سعادت اخروی بود، توانست با به کرسی نشاندن گفتمان معنویت، این باور را نیز جهانی کند.
- ۴- انقلاب اسلامی و مکتب تشیع با ندای وحدت میان مسلمانان شیعه و سنی به میدان آمد و توطئه تفرقه در جامعه مسلمین را خنثی نمود و گفتمان وحدت را جهانی کرد.

پیامدهای تقابل در حوزه سیاسی

انقلاب اسلامی با تشکیل حکومت اسلامی که از اقتدار و توانمندی لازم در حوزه قدرت ملی برخوردار است و با حمایت از مقاومت و ارائه الگوی گفتمان سیاسی در قالب مردم سالاری دینی توانست به عنوان بازیگری قدرتمند، برای سایر جوامع به ویژه جهان اسلام و جهان مستضعفین و حتی تمام جهان بشریت ارائه طریق نماید. انقلاب اسلامی توانست خیزش جهانی مسلمانان بر ضد سیطره جوی‌های غرب و آمریکا را از نظر موفقیت عملی در مسیر مبارزه با رژیم استبدادی و شکست جبهه استکبار جهانی تکمیل نماید. انقلاب اسلامی آغازگر حرکتی جهانی برای درهم شکستن نظام‌های زورمدارانه جهانی بود که با تأکید بر بیداری و قیام ملت‌های محروم و تحت ستم شکل گرفت. انقلاب اسلامی مانند هر انقلابی بنابر ماهیت برنامه و اهداف خود، مفاهیم و اصطلاحات ویژه‌ای را به ارمغان آورده است: مانند مستضعفین، مستکبرین، جهان استکباری و حاکمیت مستضعفین (محمدی، ۱۳۹۰).

از اهداف بنیادی ایالات متحده آمریکا در سطح ملی از اعمال تحریم‌ها، به چالش کشیدن امنیت ایران، به معنای ثبات نظام حکومتی و ایدئولوژی مشروعیت بخش به حکومت و دولت آن است. بنابراین آمریکا در تمامی طرح‌های خود تلاش کرده در رهبری و مدیریت جامعه ایرانی اختلال ایجاد کرده و از این طریق جایگاه رهبری و مدیریت نظام را تضعیف کند. آمریکا با اجرای تحریم‌های چند جانبه علیه جمهوری اسلامی ایران، کلیت نظام ایران را نشانه گرفته است. و بیشترین حجم عملیات براندازانه آمریکا علیه ایران به موضوع حقوق و آزادی‌های مردمی مربوط است. نقض حقوق بشر، زندانیان سیاسی، نقض حقوق اقلیت‌ها، نبود آزادی بیان، سرکوب آزادی خواهان، محدود ساختن مطبوعات، نارسایی قانون اساسی، خشونت طلبی، سرکوب اهل هنر، روشنفکر ستیزی، حجم زیاد زندانیان، سرویس‌های مختلف اطلاعاتی، انتخابات غیر دموکراتیک از این دست هستند (محمدی، ۱۳۹۰).

موارد فوق حاکی از آن است که آمریکا ابتدا بر شناسایی مسائلی که موجب نارضایتی مردم است، تمرکز کرده و سپس با اعمال تحریم‌ها منجر به دامن زدن بیشتر به آن مسائل شده است، و با این کار منجر به عمیق تر شدن شکاف بین جامعه و حکومت و ایجاد بحران می‌شود (فاضلی نیا، ۱۲۵: ۱۳۸۵).

پیامدهای امنیتی انقلاب اسلامی، چندجانبه بوده و بر امنیت راهبردی آمریکا تأثیرگذار است. انقلاب اسلامی در تقابل با اقدامات آمریکا در وهله اول، حلقه امنیتی ایالات متحده در جنوب غربی آسیا را

گسست تا دولت آمریکا را وادار به اتخاذ راهبردهای نوین در حوزه گسترش اسلام‌خواهی و حفظ منابع بین‌المللی خود مجبور کند. از پیامدهای سیاسی تحریم‌های آمریکا بر ایران می‌توان به افشاکاری توطئه‌های آمریکا در جلسات علنی مجلس و حمایت‌های مجلس در راستای خودکفایی، مبارزه با گرانی، بررسی وضعیت راه‌ها و نظارت بر عملکرد آنان اشاره داشت. ایالات متحده آمریکا بر خلاف اقدامات و تحریم‌های ضعیف و شدید علیه انقلاب اسلامی ایران نتوانست به هدف اصلی خود یعنی براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران برسد (محمدی، ۱۳۷۷).

ناکارآمدی آمریکا در حذف موقعیت ایران و تخریب چهره انقلاب در منطقه:

نخستین مسئله‌ای که پس از روی کار آمدن انقلاب اسلامی در ایران، ذهن آمریکا را به خود مشغول کرد، الهام بخشی انقلاب اسلامی ایران و الگو شدن آن برای سایر کشورها بود که مسلماً دستاوردها و منافع آمریکا را با تهدیدی جدی مواجه می‌کرد (جرجیس، ۸۸: ۱۳۸۲).

بنابراین روسای جمهور آمریکا برای تخریب چهره انقلاب با برچسپ‌هایی چون تروریست، ناقض حقوق بشر و تلاش برای گسترش انقلاب، نخستین گام‌های خود را برای مبارزه با انقلاب برداشتند. حوادث و وقایعی همچون، واقعه طبس، کودتای نوژه، تحریک و حمایت دولت بعثی عراق در حمله به ایران، حمایت از تحرکات تجزیه طلبانه در کردستان، ترکمن صحرا، خوزستان و سیستان و بلوچستان، حمله به چند فروند از ناوگان نیروی دریایی ایران در خلیج فارس، شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس و انعقاد پیمان‌های دو جانبه آمریکا با برخی کشورهای عرب منطقه، همگی نمونه‌هایی از اقدامات آمریکا علیه ایران در دهه اول انقلاب بود. که جنبه نظامی داشت (متقی، ۲۲۴: ۱۳۸۷). آمریکا پس از حواث یازده سپتامبر با استفاده ابرازی از مبارزه با تروریسم حضور نظامی خود را پیرامون جمهوری اسلامی ایران توجیه کرد و ایران را در کنار عراق و کره شمالی به عنوان محور شرارت معرفی کرد (لطفیان، ۱۹۵: ۱۳۹۰).

همچنین همزمان با کسب دستاوردهایی در دانش هسته‌ای توسط جمهوری اسلامی ایران، بازدارندگی موشکی متعارف و صنایع هوا فضا در ابعاد سیاسی، اقتصادی، دیپلماتیک و رسانه‌ای آغاز شد و عملیات گسترده علیه ایران شکل داد (ملک محمدی، ۲۳۰: ۱۳۹۱). لذا مهمترین اقدام آمریکا در راستای حذف موقعیت ایران به عنوان بازیگری الهام‌بخش و الگو دهنده استفاده از ابزار تحریم جهت جلوگیری از ظهور و هژمون شدن گفتمان انقلاب اسلامی ایران است. یا به عبارتی دیگر آمریکا با القای اسلام هراسی به طور عام و ایران هراسی به طور خاص، در درجه اول منجر به قطع

روابط اقتصادی و سیاسی ایران با سایر کشورها شد. پس می‌توان فهمید آمریکا سعی دارد ابتدا با قطع ارتباط اقتصادی ایران با همسایگانش، ایران را در منطقه منزوی کند و سپس محل ایجاد رابطه سیاسی، فرهنگی، علمی و ... بین ایران و سایر کشورهای منطقه شود. این رویکرد از سوی ایالات متحده آمریکا با هدف به حاشیه راندن جمهوری اسلامی ایران دنبال می‌شود (ایزدی، ۷۲: ۱۳۹۲).

جمهوری اسلامی ایران مهم‌ترین چالش ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه است که از دید آمریکا می‌تواند منافع کشورش را به خطر اندازد. بنابراین آمریکا برای منزوی کردن ایران در منطقه آسیای مرکزی با القای اسلام هراسی و ایران هراسی، سعی در تهدید ایران دارد تا سایر کشورها با میل و رغبت خود روابط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خود را با ایران خطرناک دیده و به تدریج آن روابط را قطع کنند. در آسیای میانه جمهوری اسلامی ایران علی‌رغم هم‌مرزی با کشورهای آسیای مرکزی و حوزه دریای خزر و پیوند های فرهنگی و تاریخی دیرینه‌اش با این کشورها و تاسیس خط ریلی سرخس - عشق‌آباد و همچنین با پیوستن به خط ریلی ترکمنستان - قزاقستان و روسیه، سیاست‌های راهبردی جمهوری اسلامی در منطقه آسیای مرکزی موفقیت‌آمیز نبوده است. مهم‌ترین عامل، وضع تشبیت و تحکیم تحریم‌ها علیه ایران از سوی غرب به همراه پروژه ایران هراسی، ایران را به شدت در مقابل کشورهای آسیای میانه تضعیف کرده است و همچنین مانع نفوذ و گسترش روابط ایران با کشورهای آسیای مرکزی شده است (آجیلی و بهادر خانی، ۱۳۹۳: ۱۳۸).

امروزه جمهوری اسلامی ایران با اتکا به حمایت مردم مسلمان و شیعه در منطقه غرب آسیا دارای آنچنان پشتوانه‌ای از قدرت ایدئولوژیک است که تمامی طرح‌های قدرت‌های جهانی و استکباری و عاملان منطقه‌ای آن‌ها را نقش بر آب نموده است. در واقع حمایت‌های مردم مسلمان منطقه باعث شده تا سرانجام نتیجه هر اقدام آمریکا و متحدانش بر خلاف میل آن‌ها به سود جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان منطقه رقم بخورد. نتیجه ایجاد جنگ‌های افغانستان و عراق توسط آمریکا و تحولات بهار عربی به قدرتمندتر شدن جمهوری اسلامی ایران و جبهه مقاومت علیه رژیم صهیونیستی منجر شد. پیامدهایی که دشمنان نظام اسلامی به دنبال آن بودند، نقش بر آب شد و تنها خاطره‌ای برای آنان باقی ماند که این نظام مبتنی بر اسلام و ولایت فقیه بر آرمان‌های خود با رهبر کبیر انقلاب باقی مانده و راهبردهای پوشالی این کشورهای به ظاهر قدرتمند و ضعیف، پیامدهای مثبت و تأثیر گذار برای مردمان کشور ایران اسلامی در بر دارد (خیبری، ۱۳۸۳).

ناکارآمدی آمریکا در مدیریت بحران‌های منطقه‌ای

یکی از چالش‌های اصلی آمریکا در برابر ایران موضوع قدرت ملی بوده است. هرگاه کشوری قدرت ملی خود را ارتقاء دهد، موقعیت بهتر و مؤثرتری در سیاست بین‌الملل کسب می‌کند. الگوی رفتاری آمریکا در مقابله با ایران ماهیت پیچیده و درهم تنیده دارد. در تمامی اسناد امنیت ملی آمریکا این موضوع مورد تأکید قرار گرفته که ایران در زمره تهدیدات منطقه‌ای و بین‌المللی آمریکا و متحدانش محسوب می‌شود. میزان تهدیدات و تحریم‌های اعمال شده آمریکا علیه ایران در مقایسه با هر کشوری بیشتر و فراگیرتر بوده است. یکی از شاخص‌های اصلی تعامل‌های رقابتی ایران و ایالات متحده را می‌توان مربوط به بحران‌های منطقه‌ای دانست. آمریکا تلاش دارد تا شکل خاصی از معادله قدرت را ایجاد کند که به موجب آن ایران در وضعیت مهار و کنترل قرار گیرد. برای کنترل ایران از سازوکارهایی همانند حمایت از گروه‌های هویتی، ارتقاء قدرت نظامی و راهبردی کشورهای رقیب منطقه‌ای و محدودسازی بین‌المللی استفاده کرده است. بحران سوریه را می‌توان در زمره موضوعاتی دانست که ایالات متحده درصدد براندازی حکومت بشار اسد بود، اما ایران از سازوکارهای مربوط به حمایت از حکومت سوریه استفاده کرد (محمدی، ۱۳۷۰).

در نگرش آمریکا، قدرت‌سازی ایران محور اصلی برهم خوردن موازنه منطقه‌ای است. آمریکا همواره تلاش داشته است تا موقعیت ایران را در شرق مدیترانه کاهش دهد. چنین روندی به مفهوم آن است که رقابت بین بازیگران صرفاً در شرایطی می‌تواند به نتیجه مطلوبی منجر شود که معادله قدرت حفظ شود. ایالات متحده درصدد کاهش قدرت ایران، جبهه مقاومت و نیروهای سیاسی است که زمینه همبستگی راهبردی در مقابله با رژیم صهیونیستی را به وجود می‌آورد. ایران به گونه‌ای علنی حمایت مؤثر خود از جبهه مقاومت برای مقابله با الگوهای تهاجمی رژیم صهیونیستی را اعلام داشته است. در روند جنگ ۳۳ روزه ایران توانست از جبهه مقاومت در مقابله با اسرائیل حمایت به عمل آورد. چنین فرآیندی را می‌توان به عنوان بخشی از سیاست عمومی ایران برای ناکارآمدسازی الگوهای رفتاری آمریکا و اسرائیل در غرب آسیا و شرق مدیترانه دانست. الگوهای متفاوت ایران و آمریکا در ارتباط با روند بیداری اسلامی در زمره عوامل اصلی بحران‌ساز محسوب می‌شود. اگرچه ایالات متحده از سیاست تهاجمی برای تغییر در انگاره سیاسی ایران بهره گرفته، اما ایران توانست موقعیت خود را در فضای منطقه‌ای و در حمایت از جبهه مقاومت ارتقاء دهد (سپهری، ۱۳۹۶).

با وقوع انقلاب اسلامی در ایران، این بیداری شتاب و گسترش بیشتری یافت به گونه‌ای که از شمال آفریقا تا جنوب شرقی آسیا را درنوردید. مهم‌ترین نوآوری انقلاب اسلامی این بود که ساختار

نظام را که عمدتاً بر اساس ابزار قدرت مادی شکل گرفته بود، با تکیه بر ابزار معنوی قدرت بر هم زند و نشان داد که می‌توان بر پایه ارزش‌های اسلامی، حرکت‌های توده‌ای به قدرت رسید و جامعه را اداره نمود (محمدی، ۱۳۷۰).

اگر به شرایط جمهوری اسلامی نگاهی بیندازیم، متوجه می‌شویم که جمهوری اسلامی بنا به موقعیت جغرافیایی و منابع طبیعی سرشار همچنین ماهیت انقلاب اسلامی که نشئت گرفته از ایدئولوژی انقلابی مبتنی بر اسلام ناب محمدی است، دارای ظرفیت‌های بالقوه‌ای از منظر ابعاد مختلف قدرت نرم می‌باشد که در برآیند نهایی، می‌توان ارزیابی کرد اگر ابعاد مختلف این قدرت نرم اجرایی گردد، شرایط کشور بسیار بیشتر از حال حاضر ارتقاء پیدا خواهد کرد (سپهری، ۱۳۹۶).

بررسی تطبیقی موقعیت جمهوری اسلامی با آمریکا به ویژه در شرایط حاضر جهانی و تحولات بین‌المللی مؤید برتری ابعاد قدرت نرم جمهوری اسلامی در برابر آمریکا بوده اما از آنجا که آمریکاییان از پتانسیل‌های خود در این راستا بهره‌برداری بهتری می‌نمایند، شاید در ابتدا به ساکن هر محقق تصور نماید که جایگاه آمریکا در بحث قدرت نرم افزون‌تر از ایران باشد، اما واقعیت اینگونه نیست. از مهم‌ترین پیامدهای مستقیم و غیرمستقیم انقلاب اسلامی ایران بر نظام بین‌الملل را می‌توان در به چالش کشیدن نظام دوقطبی بیان کرد. در واقع انقلاب اسلامی ایران از بازسازی مجدد هژمونی آمریکا در منطقه خاورمیانه بعد از سقوط رژیم شاه و تبدیل شدن به قدرت منطقه جلوگیری نمود. با ظهور انقلاب اسلامی ایران الگوهای جدیدی از توازن و اتحادات درون منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای شکل گرفت. نظرسنجی مؤسسه بین‌المللی گالوپ نشان داد که مردم پانزده کشور از چهل و چهار کشور دنیا، معتقدند سیاست‌های خارجی آمریکا تأثیر منفی روی نگرش آن‌ها نسبت به ایالات متحده داشته است. مؤسسه نظرسنجی اروپایی نیز بدین نتیجه رسید که اکثریت مردم اروپا عقیده دارند آمریکا در عرصه مبارزه با فقر در جهان، حفظ محیط زیست و حفظ صلح در جهان، بیشتر نقش منفی بازی کرده است (راچمنی، ۱۳۸۱).

کاهش اعتبار سیاست خارجی آمریکا در دهه‌های اخیر در کل جهان و به ویژه در خاورمیانه شدت یافته است. در افغانستان و پاکستان گرایش‌های ضد آمریکایی به عامل مهمی برای پیوستن افراد به گروه‌های جهادی مبارز با آمریکا تبدیل شده و همکاری کامل دولت‌های متزلزل این کشورها با آمریکا را دشوار ساخته است. نگرانی‌های ژئواستراتژیک همچنین مخالفت‌های سیاسی، ایدئولوژیک و اخلاقی با نقش تاریخی و ماجراجویی نظامی یک دهه گذشته آمریکا در منطقه، به مانعی برای همکاری کامل این دولت‌ها با آمریکا بدل شده است.

این زوال قدرت نرم آمریکا به خاورمیانه محدود نمی‌شود. برای نمونه، حضور نظامیان آمریکایی در کره جنوبی و مشکلات اجتماعی ناشی از این حضور، همچنین طرفداری متعصبانه رسانه‌های این کشور از آمریکا، باعث تشدید احساسات ضد آمریکایی در این کشور گردیده است. آمریکا ستیزی در روسیه نیز به ویژه در بین جوانان مشهود است. در صورت تغییر در دستگاه رهبری کنونی روسیه و جایگزینی آن با نسل جوان‌تر این کشور، می‌توان شاهد بروز چالش‌های جدی و نوینی در برابر آمریکا و توانایی آن برای تعقیب بی‌دردسر اهداف خود در آسیا و خاورمیانه بود. در چین، برزیل، ژاپن، و سایر کشورها نیز می‌توان چنین گرایش‌هایی را مشاهده نمود. روشن است که حل این مشکلات کار ساده‌ای برای سیاست‌گذاران آمریکایی نخواهد بود.

این روند نزولی در مناطق توسعه یافته جهان نیز به شدت نمایان بوده است. افول همانند حمله به تاجران و شهروندان آمریکایی، تحریم محصولات آمریکایی در اعتراض به سیاست خارجی آمریکا به ویژه پس از حمله به عراق و افغانستان، در سال‌های اخیر در کشورهای مختلف جهان آشکارا منافع شرک‌تهای بزرگ این کشور را به خطر انداخته است (محمدی، ۱۳۷۰).

نتیجه گیری کلی

انقلاب اسلامی در یک وضعیتی در دنیا بوجود آمد و پیروز شد که مناسبات جهانی بر اساس اندیشه مادی‌گرایی، زر و زور و ادبیات و گفتمان خاص استوار بود و یک نظام آهنین را در دنیا پدید آورد و حکومتی بر مبنای نظام اسلامی ایجاد کرد. شعارهای انقلاب اسلامی و سخنان صریح حضرت امام در همان روزهای اول انقلاب یک اتفاق بزرگ است که فقط در محدوده ملی خلاصه نمی‌شود بلکه تغییر دنیا را مدنظر قرار داده بود. آن‌ها متوجه شدند که این انقلاب یک معادله معمولی نیست و کسانی که در تقابل این معادلات قرار دارند در حقیقت در برابر این انقلاب قرار گرفته‌اند. واقعیت انقلاب اسلامی تنها برای حل مشکلات داخلی به مفهوم روابط یک دولت با جمعیت مردم خود نبود بلکه آمده بود تا فرهنگ جهان و اصول حاکم بر جهان را دچار تحول و دگرگونی قرار دهد.

تصورات غرب و آمریکا در مورد انقلاب و براندازی نظام تنها به افول قدرت آن‌ها در منطقه و حتی کشورهای غرب نشین منجر شده است و نه تنها آن‌ها به اهداف خود در قبال ایران دست نیافتند بلکه جایگاه نظامی و اقتصادی خود را به عنوان ابر قدرت‌های منطقه و دنیا از دست داده و این انقلاب اسلامی که با قدرت وارده دهه پنجم از عمر با برکت خود شده است. تحریم‌های اقتصادی، مشکلات تروریسم، جنگ و منازعات داخلی در همسایگان ایران، تخریب روابط دیپلماتیک

ایران با کشورهای همسایه و مواردی از این دست که به عنوان راهبرد در تقابل با ایران از آن نام برده می‌شد و به اجرا درآمد به گفته مقام معظم رهبری تنها به توانمندی، استقلال و پیشرفت ایران اسلامی در تمام زمینه‌های اقتصادی، علمی، نظامی و ... منجر شد. این ایران اسلامی است که در منطقه حرف اول را در بسیاری از زمینه‌ها می‌زند. این ایران اسلامی که در کشورهای همسایه حضور فعال دارد و سایه شوم گروه‌های تکفیری را از سر آنان بر داشته و امنیت را به آنان هدیه می‌دهد. آمریکایی‌ها و غربی‌ها بطور کلی برای ادامه حیات خود دچار یک مشکل اساسی شده‌اند و مولفه‌های قدرتمندی خود را از دست داده‌اند که می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱- کشوری قدرتمند است که بتواند از نظر اخلاقی سیطره خود را در جهان توجیه نماید و کشورهای زیادی قدرت او را پذیرفته باشند. در دوران قبل بسیاری از ملت‌ها از وچنین وضعیتی دفاع می‌کردند و منطق اومانیسیم و لیبرالیسم را قبول داشتند و امروزه این تمایل وجود ندارد یا بسیار کم‌رنگ شده و در حقیقت عنصر اخلاقی آمریکا از بین رفته است.

۲- از مهار در تصمیم‌گیری آمریکا بروی رفتار کشورهای صاحب امتیاز و سایر کشورهای رقیب می‌توان به عنوان عنصر دوم نام برد. کشورهای غربی با ظهور انقلاب اسلامی ایران دیگر توانایی مهار بسیاری از حرکت‌ها و جنبش‌ها با رویکر اسلامی و تأسی گرفته از این انقلاب را ندارند همانند حزب الله در لبنان و حضور جمهوری اسلامی در عراق و سوریه.

۳- تحلیل قدرت آمریکا در حل معادلات منطقه به عنوان ابرقدرت دنیا در تمام این مشکلات آن‌ها را به سمت اعتلاف برده است. آمریکا دیگر توان اعمال منطق خود را بر کشورهای ضعیف ندارد و مثالی از آن را می‌توان به تشکیل اعتلاف در عراق و سوریه نام برد.

۴- عدم توجیه سیاستمداران و دولتمدارن آمریکایی در بهره‌وری از گزینه‌های اجتماعی، اخلاقی و اعتقادی در حل بحران‌های بوجود آمده در منطقه تنها منجر به شکست و افول قدرت آمریکا و همراهان او در منطقه شده است. آمریکا از جنگ جهانی دوم به بعد تنها راه کار مفید در منطقه در حضور نظامی و تسلیحاتی می‌داند. حضور نظامی در منطقه خاورمیانه و شکست‌های مکرر آن‌ها در این بحران‌های بوجود آمده و صرف هزینه‌های زیاد نظامی و نگهداری جنگ‌افزارها ناکامی بزرگ چند صد هزار میلیاردی را برای آن‌ها به ارمغان آورده است. این در حالی است که ایران اسلامی با توجه به نفوذ اجتماعی و آموزش‌های لازم در این زمینه، اعتقادات و مشکلات اجتماعی مردم کشورهای همسایه را مد نظر قرار داده است. ما به آن‌ها چیزی را تزریق کردیم که سردمداران زر و زور هرگز نتوانستند به آن‌ها بدهند و علاوه بر این می‌خواستند تا مستعمره جدیدی را در این عصر به

نام خود ثبت کنند. استقلال اقتصادی، نظامی، فرهنگی با حفظ اعتقادات چیزی بود که ایران اسلامی با امر ولایت فقیه به این کشورها هدیه داد تا کشورهای همچون عراق، سوریه و یمن بدانند و آگاه باشند که یک مسلمان هیچ‌گاه تحت ستم و سلطه بیگانه نخواهد رفت و بر یک برادر دینی مسلمان واجب است که به برادران دینی خود کمک نماید.

امروز تسلط آمریکا بر منطقه روی ۲ کشور عربستان و اسرائیل قرار دارد و شیوع وهابیت و گروهک‌های تکفیری مانند داعش با حمایت این دو کشور در منطقه راهبردی بود که آمریکا دنبال می‌کرد، که این راهبرد نیز پیامدهای منفی برای آن‌ها داشت و سربازان و مدافعان مرز و بوم ایران اسلامی به خوبی در تقابل با این غده سرطانی پیروز شدند و ریشه تفکرات غربی در غالب این گروهک‌ها را از منطقه عراق و سوریه پاک کردند.

سوال و فرض مطرح شده این بوده آیا آمریکا با اتخاذ راهبردهای خود توانست انقلاب اسلامی را مهار کند و به نظر می‌رسد مهار انقلاب در سطوح (ملی، منطقه‌ای، بین‌المللی) ثمربخش نبوده و حتی هزینه آمریکا بیشتر از ایران بوده است. نگارنده در پژوهش خود به این نتیجه رسیده است که آمریکا برای مهار انقلاب هزینه‌های زیادی برای تشکیل موسسات و اتاق فکرها در آمریکا و خاورمیانه و همچنین بوجود آوردن کانون‌های شورشی در نقاط مختلف ایران متحمل شد. ناگفته نماند حتی در تحریم‌های اقتصادی اعتبار بانک و خزانه‌داری آمریکا زیر سوال رفت و با مسدود کردن دارایی‌های ایران سود حاصل از فروش کالا به ایران را از دست دادند و حتی منافع سرمایه‌گذاری آنان طبق قرار داد کونکو قرار بود برای توسعه حوزه نفتی منعقد شود بر باد رفت و آمریکا حتی از بازارهای مهم آسیای مرکزی دور شده و به نظر می‌رسد سیاستش به بن بست رسیده است. تقریباً برای همه ما ایرانیان مکرراً عدم اعتماد به آمریکا و سیاست‌های خصمانه و بد عهدی‌های آن‌ها تجربه و ثابت شده است که اخیراً این تجربه در برجام برای دولتمردان ایران عینیت یافته است. این بی‌اعتمادی به دولتمردان و سیاست‌های آمریکا به نحوی است که حتی ملت ایران به شعارهای دولتمردان آمریکا هم اعتماد نمی‌کنند. ایرانیان بر اساس تجربه ۳۹ ساله باید به آمریکا بی‌اعتماد باشند، چرا که اگر خوش بین باشند و اعتماد کنند، به سرنوشت دکتر مصدق دچار می‌شوند و دود این اعتماد به چشم انقلاب و ملت ایران می‌رود. و اساساً آمریکا به دنبال براندازی حکومت و تغییر الگوی زمامداری در کشور است و تا به امروز به دلیل وحدت مردم و مسئولان بر محور ولایت فقیه و ارزش‌های اسلامی به‌ویژه اعتماد به رهبری و ولایت آیت الله خامنه‌ای، آمریکائونانست به هدف خود برسد. نتیجه راهبردهای پوشالی این کشور به ظاهر قدرتمند، پیامدهای مثبت و تأثیر گذار برای مردم

ایران اسلامی و زوال و افول قدرت آمریکا را بدنبال داشت. از جمله این پیامدها می‌توان به افشای چهره واقعی استکبار غرب به سرکردگی آمریکا اشاره نمود. انقلاب اسلامی توانست ماسک دروغین حمایت از حقوق بشر آمریکا و غرب را بردارد و چهره واقعی آنان را آشکار سازد. در واقع ایران اسلامی توانست ظاهر دروغین و فریبنده آمریکا با ادعای دموکراسی و حقوق بشر را در جامعه جهانی رسوا و بی‌حیثیت کند.

فهرست منابع

۱. آبراهامیان، یرواند، ۱۳۸۷. *ایران بین دو انقلاب*، مترجمان: احمد گل محمدی، محمد ابراهیم فتاحی، تهران، نشرنی.
۲. آجیلی، هادی، بهادر خانی، محمدرضا ۱۳۹۳. *اقتصاد سیاسی خطوطه لوله در انرژی در آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۱۰.
۳. اسحاق، سید حسین، ۱۳۸۶. *ارمغان انقلاب: تلخیص از ۹۲ دستاورد انقلاب اسلامی ایران*، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، قم.
۴. امیر احمدی، هوشنگ، *آمریکا و سیاستی دیگر به نام مردم ایران: تغییر رژیم اسلامی یا اصلاح‌ساختاری آن*، ترجمه سیروس سعیدی، شماره ۵۵، ۵۶.
۵. جرجیس، فواز. ای. ۱۳۸۲. *آمریکا و اسلام سیاسی*، مترجم محمد کمال سروریان، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۶. حسینی متین، سید مهدی، ۱۳۹۱. *رویارویی آمریکا با ایران پس از جنگ سرد*، تهران: موسسه فرهنگی و مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
۷. خیرری، کابک، ۱۳۸۳. *حقوق بین‌الملل و مسئله تروریسم*، مطالعات روابط بین‌الملل، شماره ۱۷.
۸. راه چمنی، ابوالقاسم، ۱۳۸۱. *استراتژی امنیت ملی آمریکا در قرن ۲۱*، تهران: انتشارات ابرار معاصر.
۹. سپهری، یدالله، ۱۳۹۶. *رفتارشناسی آمریکا در قبال رژیم پهلوی و انقلاب اسلامی*، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۴۹.

۱۰. عبد الله خانی، علی، ۱۳۸۶. *تروویسم شناسی*، تهران: ابرار معاصر.
۱۱. فاضلی نیا، نفیسه، ۱۳۸۵. *عزل نگرانی غرب از انقلاب اسلامی (با تاکید بر عنصر ژئوپلتیک شیعه)*، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۳۶.
۱۲. گودرزی، سهیل، ۱۳۹۶. *بررسی رابطه جمهوری اسلامی ایران و آمریکا در پرتو فرهنگ راهبردی*، فصلنامه مطالعات بین الملل، شماره ۳۹.
۱۳. متقی، ابراهیم، ۱۳۸۸. «*همکاری‌های نامتقارن ایران و آمریکا در دوران اوباما*»، فصلنامه روابط خارجی، شماره ۳.
۱۴. محمدی، منوچهر، ۱۳۷۷. *سیاست خارجه جمهوری اسلامی ایران، اصول و مسایل*، تهران: نشر دادگستری،
۱۵. محمدی، منوچهر، ۱۳۹۰. *انقلاب اسلامی در بوته آزمون*، تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
۱۶. محمدی، منوچهر، ۱۳۷۰. *تحلیلی بر انقلاب اسلامی*، تهران: موسسه انتشارات امیر کبیر.
۱۷. واعظی، حسن، ۱۳۷۹. *ایران و آمریکا: بررسی سیاست‌های آمریکا در ایران*، تهران، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران (سروش).
۱۸. ولایتی، علی اکبر، ۱۳۸۲. *بررسی ماهیت قدرت و سیاست خارجی آمریکا*؛ موضوع برقراری رابطه، تهران، دفتر نشر معارف.
۱۹. Held, david, Koenig, mathias (۲۰۰۴). *Hard power, soft power and the goals of diplomacy*, pp: ۹-۱۰.
۲۰. Mehta, jal, winship, Christopher, ۲۰۰۹, *Moral Power*, pp: ۲۳-۲۶.
۲۱. Zakaria, Fareed (۲۰۰۸), "The Future of American Power", Foreign Affairs. May/June.

